

سیب نقره‌ای ماه

تقدیرهای حسین منزوی

روح‌الله کاظمی



انتشارات فروارید

سرشناسه:	کاظمی، روح‌الله، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور:	سیب نقره‌ای ماه: نقد غزل‌های حسین منزوی / روح‌الله کاظمی
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری:	۲۶۰ ص: عکس، نمونه.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۰۵۰-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۲۶۶-۲۷۰
موضوع:	منزوی، حسین، ۱۳۲۵-
موضوع:	منزوی، حسین، ۱۳۲۵-۱۳۸۲. - نقد و تفسیر
موضوع:	شعر فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۷ ی ۸۶ ق ۴۴ ن / PIR ۸۲۳۳
رده‌بندی دیویی:	۸ ۱ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۵۹۸۴۸۹



آشنایی با مروارید

انتشارات مروارید: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۳۱۲
تلفن: ۶۶۴۰۰۸۶۶ _ ۶۶۴۱۴۰۴۶ _ ۶۶۴۸۴۰۳۷ _ ۶۶۴۸۴۶۱۲ / ص. پ. ۱۶۵۴ _ ۱۳۱۴۵
marvarid_pub@yahoo.com

www.iketah.com



سیب نقره‌ای ماه

نقد غزل‌های حسین منزوی

روح‌الله کاظمی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۸۸

چاپ، صحافی، لیتوگرافی: طیف‌نگار

تیراژ ۱۶۵۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۰۵۰-۲ ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۰۵۰-۳

۲۹۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	۱- مقدمه
۱۱	۲- مصاحبه با خانواده‌ی زنده‌یاد حسین منزوی
۲۷	۳- شرح حال
۴۷	۴- سیر غزل نو
۵۹	۵- میان غنچه و گل از تو گفت و گو شده است
۶۳	۶- عاشقانه‌ها در شعر دیروز و امروز
۶۹	۷- بازتاب نگرش عاشقانه‌ی منزوی در غزل
۹۱	۸- ساختار موسیقایی
۱۱۳	۹- ساختار سبکی و زبان‌شناسی
۱۷۵	۱۰- نکاتی در باب چند غزل و ...
۲۱۷	۱۱- چند قطعه عکس و دست‌نوشته از زنده‌یاد حسین منزوی
۲۲۵	۱۲- نمونه‌ای از غزل‌های منزوی
۲۵۵	۱۳- فهرست منابع و مآخذ

...و آیدیم که عاشق شویم و در گذریم
که راز زندگی و مرگ آدمی، این بود

••

این کتاب را تقدیم می‌کنم به

«ماه‌نی»

و رسولان کوچکی که می‌آیند

تا غزل زندگی عاشقانه‌ها را بخوانند

و

افسانه‌ای که از خوابش

بیداری نمی‌خواهم.

از بین شاعران معاصر، حسین منزوی، به واسطه‌ی نگاه ویژه‌اش، تحول ساختاری چشم‌گیری را در عرصه‌ی غزل امروز موجب شد. او با رویکرد منحصر به فرد خویش به شعر، خاصه غزل، در طیف‌های گوناگون، تشخیص ویژه‌ای بخشید.

آنگاه که ستاره‌ی اقبال غزل به افول گراییده بود و عموم گویندگان بر این باور بودند که ظرف غزل فارسی اشباع شده و دیگر توان بازتاب انسان امروز و بیان دغدغه‌های وی را ندارد، با مجموعه‌ی «حنجره‌ی زخمی تغزل» ظرفیت‌های بکر و ناشناخته‌ی غزل و نبوغ و حساسیت متعالی شاعرانه‌اش را، به اصطلاح به رخ گویندگان هم‌عصرش کشید.

تغزل جان کلام اوست. غزل او ساحت غنایی تازه‌ای را پیش روی خواننده می‌گشاید و جسارت او نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه‌ی این ساحت نوین ایفا می‌کند، و او را به ظرفیت‌های نامکشوف زبانی راه می‌برد؛ گرچه از این رهگذر، به‌ندرت تلاش‌های او به شکستن ارزش‌های عرفی و سنت شعری می‌انجامد.

شناخت ژرف استعداد واژگان در هر نقشی (موتیف، قافیه، ردیف و ...) و توجه به کارکرد معنایی آن‌ها، رویکرد دیگرگون به وزن شعر و نزدیک کردن آن به دکلماسیون پیشنهادی نیما، ابداع اوزان عروضی، توجه به استعداد تکیه و درنگ، و موسیقی سکنه‌ها و سکوت‌های میان کلام، از رهیافت‌های تأمل برانگیز اوست.

در عرصه‌ی ساختار سبکی، نگاه تازه‌ی او به موتیف‌های سنت شعری، بهره‌گیری از گنجینه‌ی زبان محاوره و فولکلور، توجه به باستانگرایی نحوی و واژگانی، استفاده از فرهنگ اسطوره‌ای، تریزبانی در دایره‌ی وسیع منادها، تازه‌کردن صور خیال رایج شعر کلاسیک با تشبیهات گسترده، خلق صور خیال تازه با رویکردی آگاهانه به تابع صفات و اضافات و هزاران هنر پیدا و پنهان دیگر، او را مظهر تعبیر نظرات نیما، در ساحت غزل امروز می‌سازد.

گرچه پیش‌تر در راستای شناساندن غزل منزوی، در اندیشه‌ی کوششی بودم، لیکن پیشنهاد این موضوع از طرف استاد گران‌سنگ، جناب دکتر محمد حسین محمدی،

صورت گرفت. ایشان به واسطه‌ی حسن ظنی که نسبت به سر سوزن ذوق بنده داشتند، در حقیر این توان را می‌دیدند که از عهده‌ی نام شاعر برآیم. برای من نیز «تحصیل عشق و رندی، آسان نمود اول / آخر بسوخت جانم، در کسب این فضایل». همچنان که در عرصه‌ی غزل منزوی، پیش می‌تاختم، فراوانی راه‌های درون‌شد، راه بر تمرکز من زده و از راه برون‌رفت دورترم می‌کرد.

در بدو امر، مراجعه به منابع موجود در ارتباط با شعر امروز، روز به روز بر حیرت و شگفتی‌ام می‌افزود. زیرا از کسی که به اعتقاد اهل انصاف از صاحب‌نظران، به جهت ویژگی‌های هنری شعر، استواری سخن، بدایع زبانی، شکوه کلام و تاللو واژگانی در عصر حاضر - اگر بی‌نظیر نباشد - کم‌نظیر است، کم‌ترین نشانی در نوشته‌ی شعر پژوهان امروز نمی‌توان یافت. گرچه منزوی مهربان خود عذر این عزیزان قلم‌شوران را خواسته‌است: «نه، در تبری من نیز بیم رسوایی است! / به لب مباد که نامی بیاورید از من». جالب‌تر این که اگر هم به ندرت سخنی از منزوی بر زبان قلم‌داران رفته، عموماً ارث آبایی خود را از وی مطالبه کرده‌اند!

اما موفقیت من در این عرصه، تنها از سقف کوتاه توانمندی و بضاعت مایه دارد و طبعاً منزوی عزیز بسیار بالاتر و بعیدتر از زمزمه‌های نارس من ایستاده‌است. امید، که این ناچیز، قفل سکوت از لب سخنوران برچیند و از ما بهتران را بهانه‌ای دست دهد که روزه‌ی عناد شکسته و اندکی از حق سخن را به جای آرند.

شب‌پرگان

انکار آفتاب را

باژگونه از غار می‌آویزند

با این همه

خورشید،

همچنان خورشید است

و شب‌پرگان...

بگذار باژگونه بمانند.

با این همه نگارنده بر آن است تا در فرصتی درخور، فارغ از قیود زمانی و آداب زمان به مباحث جدی‌تر در باب غزل منزوی بپردازد.

در گردآوری اطلاعات اولیه‌ی این کار - که عموماً بصورت میدانی صورت گرفت - از بسیار کسان یاری جستم. اولین عزیزی که رهنمود ایشان راه ورود را بر من روشن‌تر

ساخت، جناب قربان ولی، از شاعران نام‌آشنای امروز و دانش‌جوی دکتری ادبیات دانشگاه تربیت مدرس بود.

استاد عبدالجبار کاکایی نیز، یکی دیگر از شاعران نام‌آشنایی است که از رهنمودهای ایشان درس‌ها به کار بسته‌ام. محضر صمیمی حجره‌ی تغزلی ایشان برایم همیشه ارزشمند و مقتنم بوده و خواهد بود. جای آن است که از طرف منزوی فقید، بابت حفظ الغیب و حفظ‌العین گاه و بی‌گاهشان در رسانه‌ها، قدردان ایشان باشم. ایشان سرمشق بیت: «چو خواهی که نامت رود در جهان/ مکن نامِ نیکِ بزرگان نهان» را از سر نوشته و درس آن را برایم زنده‌تر و تازه‌تر کردند.

جناب دکتر محمدرضا سنگری نیز از جمله عزیزانی بودند که با خواندن تک‌بیت‌های شورانگیز از منزوی، بنده را در این راستا تشویق نمودند؛ لیکن بسیار مایه‌ی تأسف است که از راهنمایی‌های عملی‌تر ایشان برخوردار نشدم.

حضرت استاد، دکتر شفیعی کدکنی نیز در جلساتی، بزرگی منزوی و اهمیت کار در این زمینه را به بنده یادآوری کرده و بنده را تشویق فرمودند.

محضر یکی دیگر از عزیزان که از مدرستان دانشگاه تهران و تصادفاً از مردم زنجان - که در توصیفشان در آغاز کتاب اشارتی رفته - و به شاعری شناخته‌شده، رسیدم. لیکن از آه منزوی کدورتی بر آینه‌ی ایشان بود.

از میان دوستان نزدیک‌تر، نمی‌توانم از یادکرد بهروز ثروتی، نویسنده‌ی کتاب «مویه‌های پامیر» چشم‌پوشی کنم. ایشان زحمت بازخوانی نوشته‌هایم را بردوش و مباحثه‌های مرا بر گوش صبری کشیدند و مشوقانه در همراهی گام‌به‌گام من کوشیدند.

نسخه‌ای از از نوشته‌های پیشینم را بعد از تماس با جناب محمّد علی بهمنی که شماره تلفنشان را از جناب کاکایی دریافت کرده‌بودم، برای ایشان به بندر عباس ارسال کردم و در همین تماس‌ها از ایشان شماره‌ی تلفن بهروز منزوی را دریافت نمودم. در تماس‌های بعدی‌ام با جناب بهمنی، ایشان فرمودند که هنوز فرصت نکردند نوشته‌های مرا مطالعه کنند.

بعد از تماس با جناب بهروز منزوی و معرفی خودم به ایشان و دریافت آدرس پستی، نسخه‌ای از آن را برایشان ارسال کردم. ایشان بسیار صبورانه! نوشته‌های مرا مطالعه کرده و حاشیه‌های راهبردی بر آن نوشتند. بعد از تماس‌های مکرری که وقت و بی‌وقت به صورت تلفنی با ایشان داشتم، بالاخره تمهیدی فراهم نمودند تا بتوانم در منزل خانم غزل

منزوی ساعتی را با این خانواده سپری کرده و گفت‌وگویی داشته‌باشم. سفر به زنجان و ضبط مصاحبه در حضور آقایان بهروز منزوی (برادر) و رضا رمضانیان (داماد) و خانم‌ها: غزل منزوی (دختر) و ماهنی (نوه) ۷ ماهی حسین منزوی و با همراهی پایمردانه‌ی دوست عزیزم جناب رضا حبیبی برگزار شد. در این جلسه مقرر شد تا پاسخ بعضی از سؤال‌های مصاحبه - که نیاز به اندیشه‌ی قبلی و تأمل بیشتری داشت - در مراحل بعدی و به صورت کتبی در اختیار بنده قرار گیرد. با استفاده از اقسام لوازم ارتباطی از قبیل: تلفن، پیام کوتاه، دورنگار و پست الکترونیکی، در صدد دریافت پاسخ‌های کتبی عزیزان روزها شمرده و هفته‌ها سپردم. بالاخره در تماسی که با خانم/دهی محترم و دوست‌داشتنی منزوی داشتیم، باخبر شدم که به این زودی‌ها امکان دیدارشان در تهران میسر نخواهد بود. چار و ناچار به مصاحبه‌ی فیلم‌برداری شده بسنده کردم. پس از تبدیل زبان گفتار مصاحبه به زبان نوشتاری و ارسال آن به ایشان جهت نظر خواهی، خانم منزوی تصمیم گرفتند عکس دیگری در اختیار بنده قرار دهند تا آن را جایگزین عکسی که از فیلم مصاحبه ذخیره شده و کیفیت نامطلوبی داشت، کنم. این درحالی بود که کتاب برای دریافت فیبا(شابک) در اختیار انتشارات مروارید و جناب حسن زاده - که مشتاقانه مسائل مربوط به منزوی و فعالیت‌های مرا دنبال می‌کردند - شده بود.

اوایل بهمن ماه نیز برای اخذ مجوز انتشار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه شد. قریب به پنج ماه بعد در ۲۳ خرداد ماه ۸۸ یعنی یک روز پس از دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، مشروط به حذف نزدیک به ده صفحه از بخش «عاشقانه‌ها در شعر دیروز و امروز» و نزدیک به بیست صفحه از بخش «بازتاب نگرش عاشقانه‌ی منزوی در غزل» که چار و ناچار در به هم ریختن انسجام سخن و ارائه‌ی مستندات لازم مؤثر خواهد بود، اجازه‌ی چاپ این اثر به انتشارات «مروارید» داده شد.

علاقمندان انگاره‌های عاشقانه را به پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد «نقد و تحلیل غزل‌های حسین منزوی» در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی با کد «۳/۱۱۴» ارجاع می‌دهیم. نگارنده در جهت آشنایی ملموس‌تر خواننده با غزل‌های منزوی، ۲۹ غزل را، - از بین نزدیک به ۴۲۰ غزل چاپ شده و شاید یک‌صد غزل چاپ‌نشده‌ی دیگر - در بخش پایانی کتاب پیش رو، حاضر آورده‌است. هدف، ارائه‌ی گزیده یا چیزی از این دست نیست. این غزل‌ها صرفاً مصداق‌ها و شواهدی برای مفاهیم حاضر آمده در این مجال هستند.